



اجتهاد در اسلام، امکان انطباق دین و تطورات تمدن بشری را فراهم می‌کند

در اسلام عصری به نام اجتهاد وجود دارد که امکان انطباق با تمدن بشری را ایجاد می‌کند و قابلیت پذیرش تطورات تمدنی مختلف را دارد.

در اسلام عصری به نام اجتهاد وجود دارد که امکان انطباق با تمدن بشری را ایجاد می‌کند و قابلیت پذیرش تطورات تمدنی مختلف را دارد.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، هفتمین نشست دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها با شورای جهانی کلیساهای با عنوان «معنویت در مدرنیته» عصر دیروز، شنبه 26 بهمن ماه در سازمان ارتباطات اسلامی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در اولین جلسه علمی این نشست به سخنرانی در رابطه با نسبت مدرنیسم و دین پرداخت.

وی اظهار کرد: ما نباید دین را به معنویت فرو بکاهیم که در آن صورت معنویت هم کاسته می‌شود. معنویت بدون دین بی‌معناست و مفهومی خودبرانداز است. عنوان مدرنیته و معنویت از سویی بحث فلسفه دین است که درباره ماهیت دین و کارکردهای آن و هم چنین ظروف تاریخی آن بحث می‌کند و از دیگر سو بحث جامعه‌شناسی است که باید از زاویه دین به بحث مدرنیته پرداخت.

کدام دین؟ نخستین پرسش نسبت دین و معنویت

وی ادامه داد: برای این که پاسخی به این بحث بدهیم، باید سه پرسش اساسی طرح شود و در قالب پاسخ به این پرسش‌ها راه را روشن نمود. نخست باید پرسید هنگامی که از نسبت و مناسبات دین و مدرنیته پرسش می‌شود، باید پرسیده شود: «کدام دین؟». واژه دین با اطلاقاتی که بر آن هست، اشتراک لفظی در اطلاق به مصادیق متفاوت و کاربردهای آن است. در این جا منظور ادیان محقق و موجود است، چرا که ادیان ابراهیمی هم‌ذات هستند.

حجت‌الاسلام رشاد عنوان کرد: دین اگر عقل‌گرا باشد و برای خرد شأنی قائل باشد و گزاره‌های دینی را عقلی تبیین کند و برای عقل جایگاهی برابر با وحی در نظر بگیرد، دینی عقلایی است و نسبت خاصی با مدرنیته برقرار می‌کند. دینی که نسبتی با خرد ندارد و معتقد است که عقل در حریم دین نباید بیاید، این دین نیز نسبتی خاص با مدرنیته پیدا نمی‌کند. این دو دسته مسلک، نسبت‌های متفاوتی با مدرنیته پیدا می‌کنند.

وی در تبیین پرسش «کدام دین؟» در سنجش نسبت دین و مدرنیته، بیان کرد: برخی انگاره‌ها در روزگار ما به وجود آمده‌اند که خود دست‌آورد مدرنیته‌اند و مدرنیسم موجب پیدایش آن‌ها شده است. دینی که از قلمرو و گستره تعالیمی زیادی برخوردار است، با دینی که دایره مفاهیم آن کم است، نسبت متفاوتی با مدرنیته پیدا می‌کند و دینی که مفاهیمی کم دارد، در صورت اصطکاک با مدرنیسم به شدت با آن برخورد می‌کند و هیچ انعطافی در آن مطلب ندارد و در مقام تراحم و تقابل قرار می‌گیرد. وی اظهار کرد: دینی که از قدرت انطباق‌پذیری با شرایط سیاسی و اجتماعی و تاریخی و سیاسی برخوردار باشد، در درون خود قابلیت پذیرش تطورات تمدنی مختلف را دارد. این خصلت دینامیکی امکان تفاهم و همزیستی زیادی با ادیان دیگر ایجاد می‌کند. در اسلام عصری به نام اجتهاد وجود دارد و این عنصر امکان را به پیروان می‌دهد که دین با حفظ اصالت و جوهرش بر شادان متغیر حیات بشر تطبیق پیدا کند. طبعاً اگر چنین ظرفیتی در دین نباشد، نه با مدرنیته که با هر مقوله دیگر سرناسازگاری خواهد داشت.

کدام مدرنیته؟ دومین پرسش نسبت دین و معنویت

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، گفت: پرسش بعدی این است که «کدام مدرنیته؟». مدرنیته یک دوره نسبتاً طولانی است که یک عهد تاریخی متعلق به یک اقلیم و یک فرهنگ از اقلیم و فرهنگ‌های بشری است که برای شرقی‌ها یک مهمان خوانده یا ناخوانده است. در دنیای غرب مدرنیته جزء ذات فرهنگ آن‌هاست و این در حالی است که معلوم نیست ما شرقیان با مدرنیته آشتی کرده باشیم. این پدیده تأثیرات خود را بر همه عالم بشر گذاشته، اما اتحاد ما با مدرنیته، بحثی جداگانه است. ما شرقیان ادوار تاریخی خود را داریم و باید خود را خود بینگاریم و نباید خود را بیگانه بینگاریم. یکی از مشکلات خویشتن دیگر انگاری در برخورد با قضایاست. به هر ترتیب باید معنای مدرنیته را دریافت و نسبت دین و مدرنیته را فهمید.

عرصه‌ها و ساحت‌ها پرسش دیگر در نسبت دین و مدرنیته

وی با بیان این‌که سوال دیگر این است که دین و معنویت را در چه عرصه‌هایی می‌خواهیم بسنجیم، اظهار کرد: به عنوان مثال، می‌توانیم در ساحتی دین را در مقام چیستی و ماهیت بررسی کنیم و نسبت آن را با ماهیت مدرنیسم بسنجیم؟ مدرنیته یک مقوله اجتماعی و سیری است که بشر در آن قرار گرفته، ولی دین که یک فرایند نیست و یک پیام الهی است.

رشاد با اشاره به این که در خصوص این که به لحاظ وجود شناختی باید این دو را مقایسه کرد، افزود: لایه ها و عرصه های دین و مدرنیته را باید بررسی کرد، چون هم مدرنیته ابعاد و ساحات دارد و دین نیز دارای ابعاد و ساحات است. حال باید به این ساحات و روش برخورد به این ساحات توجه کرد. مدرنیته با دین یکسان نیست و نباید مدرنیسم را در دین تعبیر کنیم یا بالعکس. افراط و تفریط در این مسئله مقبول نیست.

وی در پایان گفت: دین یک مقوله بایسته در زندگی بشر است و انسان بلادین انسان ناتمام و به دور از کانون هستی است. انسان نمی تواند انسان تمام باشد، ولی فاقد دین هم باشد. تلاش ها در دور کردن انسان از دین وجود داشته، ولی در واقع نمی توانستند این کار را بکنند، ولی شاید ظاهر قضیه را تغییر دادند. نمونه این مسئله هم همان تلاش شوروی است. مناشی دین و مدرنیته از مسائل دیگری است که قابلیت مطالعه دارد. منزلت و جایگاه هر کدام از این دو مقوله مهم است، چرا که یکی انسان ساز و دیگر الهی است. کارکردهای هر کدام از این مقولات باید بررسی شود.